

حکم حجاب بانوان از منظر فقه اسلامی

محمد امین محسنی^۱ | عبدالقادر محمدی^۲

چکیده

لزوم حجاب بانوان مکلف در برابر نامحرم مورد توافق همه‌ی مذاهب اسلامی است و جزء ضروریات دین اسلام به شمار می‌آید. از این رو، باید پرسید: حکم فقهی حجاب چیست؟ چه پیامدهای تربیتی به رویکرد حجاب‌گرایی در جامعه مترتب می‌شود؟ در این مقاله پاسخ سؤالات مذکور با روش توصیفی-تحلیلی، تبیین شده است. هرچند کم‌وکیف حجاب (حدود و اندازه‌ی آن) مورد مناقشات و گفتگوی فقهاست؛ اما، حکم «وجوب» حجاب برای بانوان مکلف متناظر به منابع دینی (کتاب و سنت) مورد پذیرش همه‌ی فقیهان بوده در آثار فقهی آنان تبیین شده است. پیشینه‌ی بحث فقهی حجاب بانوان به ارشادهای کتاب و سنت بازمی‌گردد، آنگاه وجود پوشش حجاب در سیره‌ی عملی دخت نبی مکرم اسلام، زهرای اطهر^(س) و دیگر زنان اهل بیت نبی خاتم^(ص)، تأیید این مدعاست. پیامدهای سازنده و آثار تربیتی حجاب اسلامی به عنوان دستاوردهای تحقیق همواره در جوامع اسلامی مشهود است. «حجاب» اسلامی باعث محفوظ ماندن شخصیت روانی بانوان، تحکیم خانواده و گسترش امنیت اجتماعی، می‌شود. سختگیری رعایت حکم وجوب حجاب بانوان در مواجهه با نامحرم است، اما د رموارد ۱۲ گانه که بانوان بین محارم خویش قرار دارد (مطابق رهنمود قرآن کریم) می‌توانند حجاب نداشته باشند.

واژگان کلیدی: حجاب، بانوان، فقه، خانواده، جامعه، مذاهب اسلامی، محرم، نامحرم.

۱. دانش آموخته‌ی فقه و معارف اسلامی، استاد حوزه علمیه صادقیه کابل - جامعه المصطفی العالمیه افغانستان.

ایمیل: M,amin12mohseni@gmail.com

۲. دکترای فلسفه و عرفان، استاد مجتمع آموزشی صادقیه، جامعه المصطفی؛ کابل

مقدمه

دختران مکلف و بانوان در اسلام احکام خاص دارند، حکم وجوب پوشاندن مو، سر و بدن یکی از احکام خاص بانوان به شمار می‌آید و منکر این حکم الهی از اسلام خارج گشته و مرتد حساب می‌شود.

حجاب از مسلمات دینی و حکم ضروری شریعت اسلامی است که در جامعه اسلامی علاوه بر جنبه اعتقادی و دینی آن، به صورت قانون کلی برای همه‌ی بانوان (حتی زنان غیر مسلمان) لازم الاجرا است. زیرا بدحجابی یا بی‌حجابی هنجار شکنی حساب می‌شود، سبب تمسخر و توهین حکم وجوب حجاب، می‌گردد که خود به عنوان بی‌بندباری و اشاعه‌ی فساد و فحشاء، حکم حرام به شمار می‌آید.

پیشینه‌ی بحث

تحقیقات متعددی در تبیین لزوم حجاب بانوان انجام شده، شمارش همه‌ی آنها در این مختصر ضرورت ندارد، به عنوان نمونه به ذکر برخی از آنها بسنده می‌شود: «حجاب در ادیان الهی»، در این اثر، ضمن بررسی حکم حجاب در ادیان مختلف، بر فطری بودن حجاب تأکید شده و سرانجام به آثار منفی پدیده‌ی بدحجابی اشاره شده است (آشنای، محمدی، ۱۳۷۳). همچنانکه «قدمت تاریخی حجاب در ایران» توسط محقق دیگری مورد بررسی قرار گرفته است و با ذکر تاریخ گذشته‌ی حجاب، فطری بودن حجاب را نتیجه گرفته که مورد تأیید ادیان الهی نیز واقع شده است (فیاض، ۱۳۸۶). تحقیق دیگر با عنوان «حجاب در تاریخ معنویت بشر قبل از اسلام» به بحث تاریخی پوشش زنان پرداخته و با استناد به قرائن و آثار به جامانده نشان داده است که در طول تاریخ، زنان پوشش کامل‌تری نسبت به مردان داشته‌اند و بر جنبه‌ی فطری حجاب تأکید شده (قانع، ۱۳۷۲). استاد «مطهری»، با تأکید بر فطری بودن حجاب، آن را تدبیر زن برای ارزشمند بودنش بر شمرده است (مطهری، ۱۳۵۳). نویسنده‌ی دیگر، در پایان نامه‌ی: «حجاب از دیدگاه اسلام و دیگر ادیان الهی» از فلسفه‌ی پوشش و حجاب بانوان در اسلام سخن گفته است (حسینی منش، ۱۳۷۱).

بنابراین، موضوع حجاب با هدف بهبود عفت و کمال بانوان در اسلام مورد توجه جدی بوده است تا از بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و فسادهای اخلاقی پیشگیری گردد. ضمن



این که پوشش انسان اعم از مرد و زن، یک اصل سابقه دار در میان افراد بشر بوده و ریشه یابی آن در طول تاریخ، نشان می دهد که نخستین انسان های ساکن زمین نیز به نوعی پوشش و حجاب داشته اند به گونه ای که از شاخ و برگ درختان برای پوشاندن بدن شان استفاده می کردند. براساس برخی پژوهش ها، پیشینه ی تاریخی ادیان نشان می دهد که ادیان، زنان را به رعایت کامل پوشش و دوری از تزئین و آرایش در مقابل نامحرمان فرا خوانده است.

مفهوم شناسی

۱. حجاب در لغت

«حجاب» که جمع آن «حُجُب» است در لغت به معنای پرده و هرچه که انسان با آن خود را بپوشانند، آنچه که فاصل میان دو چیز باشد، به کار رفته است. «ابن درید» در تعریف آن چنین نگاشته: «حَجَبْتُ الشَّيْءَ... إِذَا سَتَرْتَهُ وَ الْحِجَابُ السِّتْرُ...»؛ پوشاندم شیء را، زمانی که مستور نمودم او را و حجاب عبارت است از سِتر و پرده (ابن درید، ۱۹۸۷م).

همچنانکه «ابن منظور» در تعریف «حجاب» گفته است: «حجاب» از ماده «حجب» به معنای پوشش خواهد بود؛ زمانی که گفته شود فلان چیز را در حجاب قرار داد یعنی آن را پوشانده و مستور ساخته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱: ۲۹۸). بنابراین، «حجاب» در زبان عربی به پوششی گفته می شود که مانع از دیدن شیء پوشیده شده می شود. ازاین رو، وقتی صفت محجوبه (مُحَجَّبه) به زن، نسبت داده می شود به این معناست که «حجاب» و پوشش، حرمت و کرامت زن را از گزند نگاه آلوده ی نامحرمان محفوظ می دارد، اما نگاه نامحرمان، میان عفاف زن، فاصله ایجاد می کند (طریحی، ۱۳۷۵، ۲: ۳۳).

استاد مطهری در تبیین حکم حجاب بانوان گفته است: کلمه ی «حجاب» هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب؛ بیشترین استعمال آن به معنی پرده است، این کلمه از این جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله ی پوشش است و شاید بتوان گفت به حسب اصل لغت، هر پوشش حجاب نیست و آن پوشش حجاب نامیده می شود که [باعث] پشت پرده واقع شدن چیزی گردد (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۸۶ - ۳۹۱).

واژه ی «حجاب» در قرآن و حدیث نیز متناظر به معنای لغوی آن بکار رفته و از معنای



لغوی آن تغییر خاص نکرده است. به عنوان نمونه «حجاب» در آیه‌ی زیر به معنای پرده و شیء حائل جلو خورشید است: «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ»؛ تا آنوقتی که خورشید پنهان شد در حجاب. همچنانکه تعبیر «حجاب» با همین معنا در آیه‌ی ۵۱ سوره شوری و آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی احزاب مشاهده می‌شود. در کلام گهربار امام علی (ع) به مالک اشتر، پنهان شدن از مردم [در زمان تصدی امور دولتی] نهی شده و کلمه‌ی «إِحْتِجَاب» [که مصدر باب إفعال است] نزدیک به معنای «حجاب» [از فعل ثلاثی حَجَبَ] به کار رفته است: «فَلَا تَطُولَنَّ إِحْتِجَابُكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ» پنهان بودن طولانی نباشد که مردم (رعیت) تو را ملاقات نتوانند. به دیگر سخن، در میان مردم باش کمتر خود را درون خانه (اداره) پنهان کن حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند بلکه خود را در ملاقات مردم قرارده و به مشکلات مرم رسیدگی نما (همان. شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۴۱).

۲. حجاب در اصطلاح

واژه‌ی «حجاب» در فقه اسلامی علی‌رغم این‌که متناظر به معنای لغوی آن که همان پرده‌ی حائل و فاصل میان دو چیز است، بکار رفته، اما معنای فقهی آن به صورت ویژه به پوشش خاص زنان استعمال شده است. استاد مطهری، ضمن حمایت از کاربرد واژه‌ی «سِتْر» در فقه، به جای کلمه‌ی «حجاب»، معتقد است که «استعمال واژه‌ی حجاب برای پوشش زنان اصطلاح جدید به شمار می‌آید؛ درحالی‌که فقهای پیشین کلمه‌ی «سِتْر» را که به معنی پوشش زنان است به کار می‌بردند».

به عنوان نمونه، کلمه‌ی «سِتْر» فقهی در بخش نماز (صلاة) یا نکاح که مورد بحث فقیهان قرار گرفته، مشاهده می‌شود؛ ولی آنان واژه‌ی «حجاب» را در موارد مذکور استفاده نکرده‌اند. از این رو، به باور استاد شهید، بهتر بود که این کلمه تغییر نمی‌کرد و همیشه همان کلمه پوشش (سِتْر) استعمال می‌شد. زیرا، معنای شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در باب پوشش به کار می‌رود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده‌ی زیاد گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و درون خانه محبوس باشد (مطهری، ۱۳۵۳: ۶۴).

بنابراین، رویکرد کلی اسلام در مورد پوشش زن این است که دختران مکلف و بانوان در



معاشرت با نامحرمان، بدن خود را بیپوشانند، خودنمایی و جلوه‌گری نکنند، در حالی که بانوان بین محارم خود (مانند شوهر، فرزندان، برادران، پدر و دیگر محارمی که در جدول جواز کشف حجاب در موارد ۱۲ گانه، ذکر شده) می‌توانند حجاب نداشته باشند. البته باید گفت، در صورتی که احتمال نگاه لذت‌آمیز و فساد اخلاقی وجود داشته باشد، در میان محارم نیز لازم است، حجاب را رعایت نمایند.

مبانی قرآنی و روایی حجاب

۱ - حجاب بانوان از منظر قرآن

کلمه‌ی «حجاب» چند بار در قرآن (غالباً به معنای مانع و حائل) به کار رفته است (اعراف، ۴۵. مریم، ۱۷. احزاب، ۵۳. ص، ۳۲. فصلت، ۵. شوری، ۵۱). در این میان، فقط آیه ۵۳ سوره احزاب - که مردان مسلمان را از مواجهه شدن با همسران پیامبر^(ص) منع کرده - به نظر می‌رسد نزول این آیه نخستین مرحله تبیین لزوم پوشیده بودن زنان در مواجهه با مردان نامحرم بوده که مفهوم و حدود آن به تدریج در سیر نزول آیات بسط یافته است. در این آیه به مردان دستور داده شد که با همسران پیامبر^(ص) از پشت پرده (من وراء حجاب) سخن گویند، همسران پیامبر^(ص) در برابر دیدگان نامحرمان پیدا نباشند، کاری که برای پاکی قلب هر دو طرف بهتر دانسته شده است.

حکم آیه - که به سبب ذکر واژه حجاب در آن، به «آیه حجاب» معروف است - به همسران پیامبر^(ص) اختصاص داشت و شامل دیگر زنان مسلمان نمی‌شد (طبرسی، ۱۴۰۷ هـ. ابن‌کثیر، ۱۴۱۲ هـ. شوکانی، بی‌تا. طباطبایی، ۱۳۹۰ - ۱۳۹۴ هـ).

حدیث ابن‌ام‌مکتوم - که مطابق آن پیامبر اکرم^(ص) به همسران خود دستور دادند که در برابر مرد نابینا خود را در پشت حائل (پرده) قرار دهند (کلینی ۱۴۰۱، ۵: ۵۳۴. بیهقی، بی‌تا، ۷: ۹۱ - ۹۲).

به هر حال، مسئله حجاب به صورت مفصل در دو سوره قرآن مطرح شده؛ ابتدا در آیه ۵۹ سوره احزاب و بعد با تفصیل بیشتری در سوره نور آمده است. که در شان نزول آیه ۳۰ سوره نور مرحوم، «کلینی» به سند خویش از سعد اسکافی نقل نموده که امام باقر^(ع) فرمود:



«جوانی از انصار با دیدن زنی که حجاب کامل نداشت به گونه‌ی که گردن آن زن هویدا بود روبرو شد و وقتی زن از کنارش گذشت جوان درحین راه رفتن سر را به عقب انداخت به تماشای آن زن، ناگاه صورتش به تکه استخوان یا شیشه برآمده از دیوار برخورد و مجروح شد بدن و لباسش را خون گرفت؛ وقتی که خدمت پیامبر^(ص) رسید جریان را نقل نمود، آنگاه جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد (کلینی، ۱۳۸۸، ۵: ۵۲۰).

براین اساس، مطابق شأن نزول آیه‌ی مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که اولین آیات که در تشریع حجاب و بیان محدوده‌ی نظر به زنان نازل شده همین آیات سوره نور بوده است.

۲. محدوده‌ی پوشش و حجاب زنان

محدوده‌ی واجب پوشش و حجاب زنان، در اسلام، پوشاندن تمام بدن در مقابل نامحرم است، به استثنای صورت و مچ دست‌ها به پایین، که طبق نظر مشهور فقها پوشاندن آنها واجب نیست؛ البته بعضی از فقهای فعلی، با احتیاط وجوب، پوشاندن صورت و دست‌ها را نیز لازم می‌دانند؛ ولی حتی افرادی که پوشاندن آن را واجب نمی‌دانند، در اصل مطلوبیت و استحباب چنین حجاب کاملی مخالفت ندارند.

علاوه بر پوشش لباس‌های معمولی، مثل پیراهن و شلوار، که زنان و مردان در داخل منزل استفاده می‌کنند، برای حجاب بیرون از منزل و در مقابل نامحرم، در قرآن و احادیث برای تأمین حجاب واجب زنان، از چند نوع پوشش خاص، نام برده شده است که دو نوع معروف آن «خمار» و «جلباب» است.

أ - خمار چیست

«وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» - کلمه «خمر» به ضم دو کلمه نخست، جمع خمار است، «خمار» جامه‌ی است که زن سر خود را با آن می‌پيچد، و زاید آن را به سینه‌اش آویزان می‌کند. به تعبیر دیگر پوشش مخصوص سر و اطراف سر بانوان، مثل مقنعه که بلندی آن سینه‌های زنان را باید بپوشاند.

ب. جیوب چیست

کلمه «جیوب» جمع جیب - به فتح جیم و سکون یاء، در لغت «جیب» به طوق اطراف لباس و به «قلب» و «صدر» (سینه) استعمال شده و در عرف عموم مردم به کیسه‌ی کوچک



که در لباس دوخته شده «جیب» گفته می‌شود (درویش، ۱۴۱۵، ۶: ۵۹۳). اما منظور از «جیب» در آیه مذکور محدوده‌ی سینه‌های بانوان است که با پوشیدن مقنعه‌ها باید پنهان گردد. معنای آیه این است که به زنان دستور بده تا اطراف مقنعه‌ها را به سینه‌های خود انداخته، آن را بپوشانند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۱۵۶).

بنابراین، حکم «حجاب» و محدوده‌ی آن که در آیه بیان شده این است که بانوان «اطراف» روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود (و لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ). از این جمله استفاده می‌شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، بطوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر یخه‌ها خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد (مکارم، ۱۳۸۲، ۳: ۲۹۰).

ج - جلباب چیست

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویش را به چادر بپوشانند؛ که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند، تا از تعرض و جسارت هوس رانان آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است.

واژه‌ی «جلایب» جمع «جلباب» است و جلباب به معنای فراگیر بودن تمام بدن است که زنان به روی لباس‌های خود می‌پوشند؛ امروزه در زبان فارسی به چنین پوششی چادر گفته می‌شود.

مفسران در باره معنی جلایب اختلاف نظر دارند، به گفته‌ی برخی «رداء و عبائی بوده که سر تا پای زنان را می‌پوشیده است»، برخی دیگر معتقد اند «روسری بوده که سر و صورت زنان را فرا می‌گرفته است».

علاوه بر قرآن که دو شکل خاص از پوشش فوق را برای زنان در مقابل نامحرم توصیه کرده است، در برخی احادیث نیز چهار پوشش ویژه برای زنان در مقابل نامحرم، به نام پیراهن، مقنعه، چادر، و ازار معرفی شده است (نجفی، ۱۳۹۸، ۱۶: ۱۳۸).



۳. موارد جواز کشف حجاب و آشکار ساختن زینت زنان

دین اسلام از سخت‌گیری بی‌مورد حجاب اجتناب نموده و حکم جواز کشف حجاب را در مواردی بیان نموده که زنان می‌توانند در موارد ۱۲ گانه که ذیلاً بیان شده، حجاب نداشته باشند و زینت پنهان خود را آشکار سازند با این عبارت شرح می‌دهد: و آنها نباید زینت خود را آشکار سازند، «و لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...» مگر در دوازده مورد زیر که خداوند سبحانه به بانوان اجازه داده که می‌توانند حجاب نداشته باشند و زینت خود را آشکار نمایند (مکارم، ۱۳۸۲، ۳: ۲۹۰).

جدول موارد جواز کشف حجاب و آشکار ساختن زینت بانوان

توضیح	حکم جواز نداشتن حجاب در موارد ۱۲ گانه	ترتیب
بانوان نزد شوهران شان می‌توانند حجاب نداشته باشند.	برای شوهرانشان (إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ).	۱
نزد پدرشان نیز بانوان می‌توانند حجاب نداشته باشند.	یا پدرانشان (أَوْ آبَائِهِنَّ).	۲
بانوان می‌توانند نزد پدر شوهر خود حجاب نداشته باشند.	یا پدر شوهرانشان (أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ).	۳
نزد فرزندان خود بانوان می‌توانند حجاب نداشته باشند.	یا پسرانشان (أَوْ أَبْنَائِهِنَّ).	۴
بانوان می‌توانند نزد پسران همسران (که از مادر دیگر متولشده) حجاب نداشته باشند.	یا پسران همسرانشان (أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ).	۵
بانوان می‌توانند نزد برادران حجاب نداشته باشند.	یا برادرانشان (أَوْ إِخْوَانِهِنَّ).	۶
بانوان نزد پسران برادران شان می‌توانند حجاب بسر نکنند.	یا پسران برادرانشان (أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ).	۷
بانوان نزد پسران خواهرانشان می‌توانند حجاب بسر نکنند.	یا پسران خواهرانشان (أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ).	۸
بانوان مسلمان نزد دیگر بانوان مسلمان یا دختران مسلمان می‌توانند حجاب نداشته باشند.	یا زنان هم کیششان (أَوْ نِسَائِهِنَّ).	۹
بانوان نزد کنیزانشان می‌توانند حجاب نداشته باشند.	یا بردگانشان کنیزانشان (أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ).	۱۰
بانوان نزد مردان دیوانه که مسائل جنسی را نمی‌دانند می‌توانند حجاب نداشته باشند.	یا مردان سفیهی که تمایلی به زن ندارند (أَوِ التَّائِبِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ).	۱۱
بانوان نزد اطفال کوچک که امور جنسی را تشخیص نمی‌دهند، می‌توانند حجاب نپوشند.	یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند (أَوِ الطِّفْلُ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ).	۱۲



سابق میان عرب‌ها آویزان کردن خلخال به پای دختران و زنان مرسوم بوده؛ ازاین‌رو، خداوند در حکم دیگری فرموده: «آنها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود» و صدای خلخال که برپا دارند بگوش رسد (و لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ). براین‌اساس، بانوان در رعایت عفت آن چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند.

سر انجام با دعوت عمومی همه مؤمنان اعم از مرد و زن به توبه و بازگشت به سوی خدا آیه را پایان داده، می‌گوید: «و همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان! تا رستگار شوید» (و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) و اگر در گذشته کارهای خلافی در این زمینه انجام داده‌اید اکنون از خطاهای خود توبه کنید و برای نجات و فلاح به سوی خدا آید که رستگاری تنها بر در خانه اوست (همان).

۴. حجاب در روایات

حکم شرعی حجاب همواره مورد تأکید دین بوده همان‌طور که در آیات و حیانی ذکر گردید؛ روایات معصومین^(ع) نیز که مفسر قرآن کریم و میراث‌گران بهای معنوی است در تبیین حکم فقهی حجاب بسیار گسترده بیان شده، به گونه‌ای که ارائه‌ی روایات در موضوع «حجاب»، از حوصله‌ی نوشتار حاضر خارج است و موضوع مستقل می‌طلبد. به هر صورت نمونه‌های روایی موضوع «حجاب» در این جا ارائه می‌گردد.

۱. فضیل بن سیار از امام صادق^(ع) نقل نموده که از آن حضرت^(ع) سوال کردم: «آیا آرنج‌های دست زن بخشی از زینت‌های اوست که در قرآن خداوند فرموده زنان زینت خود را آشکار نکنند؟» امام^(ع) فرمود: «بلی، غیر از صورت و دست تا مچ، از زینت «زن» محسوب می‌شود که باید از نامحرم پوشیده شود» (همان، ۵: ۵۲۰).

۲. روایت دیگری از امام صادق^(ع) در مورد زمان حکم وجوب روزه و حجاب دختران این گونه نقل شده است: «بر دختری که به سن بلوغ می‌رسد، روزه و حجاب واجب است» (حرعاملی، ۱۳۶۴، ۹: ۴۰۹).

۳. امام صادق^(ع) فرمود: برای زنان مسلمان صحیح نیست روسری و پیراهنش به گونه‌ی



باشد که او را نپوشاند (نوری، بی تا: ۲۵۵، ۱۰۰).

بنابراین، با ملاحظه‌ی دیگر روایات در کنار روایت مربوط به حجاب، می‌توان گفت که حجاب تنها به نحوه پوشش زن اختصاص ندارد، بلکه علاوه پوشش مناسب، گفتار، رفتار، نگاه زنان به مردان نامحرم، جزء گستره‌ی حجاب خواهد بود.

در نتیجه، همان‌طور که حفظ حجاب و محدوده‌ی آن که لازم است رعایت گردد و مورد تاکید آیات قرآن قرار گرفته؛ در سنت ارزشمند و هدایت بخش معصومین نیز رعایت «حجاب» و پوشش کامل دختران بالغ و زنان، مورد تأکید واقع شده است. از این رو، وجوب داشتن حجاب به این معناست که بانوان در پوشش، گفتار، نگاه و رفتار، در مواجهه با نامحرمان باید مطابق رهنمود شریعت رفتار نمایند. براین اساس، در کلام حضرت پیامبر^(ص) و اوصیاء معصوم وی، رعایت «حجاب» تأکید شده و حجاب داشتن خانواده‌های معصومین^(ع) مانند حضرت خدیجه، زهرا ی اطهر و غیره، الگوهای عملی خانواده‌های معصومین، در مورد التزام حکم وجوب حجاب اسلامی، به شمار می‌آید.

همچنان‌که روایتی گهربار از پیامبر^(ص) نقل شده است که حضرت فرمود: «آن کس که چشم را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت چشمهایش را از میخ های آتشین پر خواهد کرد و آن گاه درونش را آکنده از آتش می‌کند».

روایت دیگری از امام صادق^(ع) در مورد ممنوعیت نگاه به نامحرمان که شامل نگاه زنان و مردان می‌شود این گونه نقل شده است: «نگاه حرام تیری است مسموم از جانب شیطان هرکس آرا به خاطر خدا، نه غیر آن ترک کند، خداوند ایمانی به او می‌دهد که طعم آن را بچشد».

به هر صورت، روایات دیگری در مورد رعایت پوشش زنان وجود دارد که به صورت عام رعایت پوشش زنان مسلمان را توصیه نموده تا از این طریق خانواده‌های سالم و ارزشمندی در جامعه‌ی اسلامی شکل بگیرند که بر تربیت و اخلاق دینی بنیان نهاده شده باشند. برای نیل به این مقصود دستور العمل هایی به چشم می‌خورد از قبیل نهی از پوشیدن لباس بدن‌نما و نازک که لازم است دختران و بانوان مسلمان رعایت نمایند و از پوشیدن حجاب و لباسی که مناسب شأن زن مسلمان نیست، اجتناب کنند.



چنان‌که پیامبر (ص) در یک حکم اخلاقی به اسماء فرمود: «ای اسماء! زن، وقتی به حد بلوغ رسید، نباید جای از بدن و اندامش دیده شود، مگر صورت و دست‌هایش» (سجستانی، بی‌تا، ۲: ۳۸۳).

مبانی فقهی حجاب

۱- حکم حجاب از منظر فقه شیعی

حکم وجوب «حجاب» بانوان در برابر مرد نامحرم مورد توافق همه‌ی مذاهب اسلامی است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷)؛ اما حدود و اندازه‌ی آن مورد بحث و گفت‌وگوی فقهاست. در قرآن کریم آیات متعددی مشاهده می‌شود که بر تشریع تدریجی حجاب در عصر نبوی دلالت دارد که در احادیث معصومین (ع)، نیز به صورت گسترده بیان شده است.

بنابراین، واجب نبودن پوشش صورت و دست‌ها به معنای جایز نبودن پوشش آنها نیست، بلکه پوشیده‌تر بودن زنان کاری نیکو و رعایت حریم میان بانوان و نامحرمان، با پوشش کامل زنان، بهتر تأمین می‌شود.

به هر حال، حجاب و پوشش زنان علاوه بر اینکه حکم فقهی است، از منظر اخلاق اسلامی نیز قابل بررسی می‌باشد که اخلاقاً نیز پوشش مناسب مردان و زنان امر پسندیده و خوب است. زیرا غایت پوشش مناسب هریک از مردان و زنان مراقبت از سلامت زندگی اجتماعی و پیشگیری از بروز بی‌بندوباری و سد محکم ناهنجاری‌های اخلاقی است.

فقهاء اسلامی اتفاق نظر دارند که اظهار زینت‌های پنهان زنان در حضور نامحرم (چه در انظار عمومی و چه در محیط‌های خصوصی مورد توجه نامحرم) حرام است و همچنین از نظر آنها نه تنها استفاده از وسایلی مانند گردن‌بند، انگشتر و دست‌بند که عرفاً به آنها زینت آلات می‌گویند در برابر نگاه نامحرمان حرام است بلکه پوشیدن لباس‌هایی خاصی را که جلب توجه می‌کنند نیز نوعی زینت شمرده اند، اگرچه تمام بدن را بپوشاند (حکیم ۱۴۰۶، ۵: ۲۴۱).

همچنان‌که فقیهان، ظاهر کردن هرآنچه را که در نظر عرف زینت و آرایش برای زن محسوب می‌شود در برابر مرد نامحرم جایز ندانسته اند. در این میان، امام خمینی، مبنای



زینت شمردن را به عرف جامعه‌ی اسلامی ارجاع داده و معتقد است: «هر چیزی که عرفاً زینت محسوب شود، و در عرف مردم بر آن زینت اطلاق کند، حرام است که برای نامحرم اظهار گردد» (امام خمینی ۱۳۸۵، ۲: ۳۲۲).

پیامدهای منفی مختلط بودن زنان و مردان نامحرم در محیط عبادی، اجتماعی، کار و غیره در اسلام همواره مورد توجه بوده و آثار منفی آن در گزاره‌های دینی گوشزد شده است. از این رو، روایات اسلامی تصریح نموده که هرگاه یک مرد و زن نامحرم در مکان خلوت باشد، سومی آن‌ها شیطان است که وسوسه می‌کند تا آنان به گناه آلوده شوند. براین اساس، اسلام، راه‌حل‌های متعدد از جمله خواندن عقد موقت مرد و زنی را که شوهر ندارد، رهنمود نموده که در کتب فقهی دارای شرایط خاص است و برای آن پاداش‌های فراوان وعده داده شده است تا مردم از ارتباط نامشروع و اعمال خلاف عفت، دور بمانند و از طریق ارتباط مشروع به‌غریزه‌ی جنسی پاسخ مثبت و مشروع گفته شود.

همچنانکه در زمان پیامبر (ص) جدا بودن درب ورود و خروج زنان از مردان در مسجد که مکان عبادت است مورد توجه بوده که ضرورت تفکیک زنان و مردان نامحرم را در اماکن دیگر به طریق اولی، می‌توان نتیجه گرفت.

«نقل شده که روزی رسول خدا (ص) بیرون مسجد بود، دید، زنان و مردان با هم از مسجد بیرون می‌آیند، به زن‌ها فرمود بهتر است که شما صبر کنید آن‌ها بروند شما از کنار بروید، به همین دلیل، مختلط بودن زنان و مردان نامحرم از منظر فقه اسلامی ممنوع است. براین اساس، ضابطه‌ی کلی محدوده بدن که باید تحت پوشش و حجاب شرعی-فقهی قرار بگیرد در یک تقسیم کلی این گونه دسته‌بندی می‌شود:

۱. تمام بدن دختران مکلف و زنان لازم است به صورت کامل پوشیده شود و تمام بدن از دید نامحرم به دور بماند به جز وجه (صورت) و کفّین (دو دست) که مجاز است بدون پوشش، باشند.

۲. لباس و پوشش زنان با عرف جامعه‌ی اسلامی همخوانی داشته باشد و خلاف عرف دینی لباس پوشیدن درست نیست، به خصوص اگر لباسی بدن نما و مطابق فرهنگ کفار باشد که پوشیدن آن در جامعه باعث رواج فرهنگ مبتذل ملت‌های کفر می‌شود، از منظر



فقه اسلامی حرام است.

بنابراین، اگر بدن زنان با لباس ضخیم پوشیده شود، ولی لباس آنقدر تنگ باشد که حجم بدن و اندام او را آشکار کند یا به هر طریق دیگری مانند پوشیدن مانتوهای خیلی کوتاه که متعارف دینداران نیست و باعث جلب توجه گردد، چنین لباسی حجاب شرعی گفته نمی‌شود.

یکی از فقیهان معاصر شیعی، ضمن وجوب ستر و پوشش دختران مکلف و زنان، حکم فقهی مانتوی بدن‌نما را که مخالف پوشش زنان است، نیز بیان نموده است: «در صورتی که لباس به بدن زن چسپیده باشد، پوشیدن آن حرام است. همچنانکه پوشیدن جوراب نازک را که پای زن پیدا باشد، حرام شمرده. آنگاه، حکم ممنوعیت پوشیدن لباسهای تنگ مبتذل و غیره که سبب ترویج فرهنگ غیر اسلامی می‌شود، بیان نموده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۲: ۵۲).

۲. حکم حجاب از منظر فقه تسنن

حکم وجوب حجاب در فقه تسنن همچون فقه شیعی در واقع به مبانی قرآنی و روایی، استناد شده است که نقطه‌ی اشتراک دو رویکرد فقهی شیعی و سنی به شمار می‌آید. اما در جزئیات مسئله‌ی حجاب از قبیل محدوده‌ی حجاب و مقدار پوشش زنان، میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد.

فقیهان چهارگانه تسنن مانند: «أبو حنیفة، مالک، شافعی و أحمد» با استناد به احادیث پیامبر (ص) در مورد حکم فقهی وجوب حجاب و وجوب پوشیدن لباسی که بدن را در برابر نامحرم کاملاً بپوشاند، اتفاق نظر دارند. از این رو، خروج بانوان از خانه با چهره‌ی باز مطابق آراء فقیهان مذکور، جایز نیست؛ اما در مورد علت ممنوعیت خروج با چهره‌ی باز، میان آنان اختلاف نظر وجود دارد (فریح، ۱۴۲۵: ۸۱).

برخی از آنان علت ممنوع الخروج بودن با چهره‌ی باز را بیم واقع شدن زنان در دام فتنه دانسته که احتمال دارد زنان بدون پوشش چهره، مورد تجاوز فاسقان واقع شوند. در حالی که برخی دیگر، صورت زن را به مثابه عورت و شرمگاه (هرجایی از بدن که انسان از اظهار آن شرم دارد) دانسته که مانند عورت پوشاندن چهره نیز واجب است.

۲-۱. دلایل وجوب پوشاندن زنان از نامحرمان

أ. اجماع

واجب و فرض بودن «احتجاب» و پوشاندن زنان مسلمان از دید مرد اجنبی و نامحرم، گفته شده که به اجماع قولی و عملی، نزد عالمان دینی ثابت شده و فقیهان مذاهب چهارگانه تسنن، به دلیل این که مؤسس این مذاهب اند قطعا در اجماع مذکور مندرج اند (همان، ۱۴۲۵: ۱۱۱). منظور از اجماع عملی، عمل و رویکرد دائمی که به صورت متواتر و متوارث بین زنان مؤمنین وجود داشته، این نکته است که آنان همواره ملزم بوده که در چهره خود حجاب داشته باشند، همچنانکه بدن‌شان دارای پوشش و حجاب کامل بوده که مانع نگاه نامحرمان بوده است (همان، ۹۵). به هر حال، عالمان دینی اجماع عملی را تأیید نموده و عملاً در نظریه‌پردازی به آن التزام داشته اند.

فقیه دیگر تسنن گفته است که علما اجماع نظر دارند که «زنان در موقع إحرام حج، علاوه بر پوشاندن سر و مستور نمودن موها، باید صورت خود را نیز به گونه‌ی سَبَك با لباسی بپوشاند که از بالای سرش آویزان می‌شود تا از نگاه مردان نامحرم مستور و پنهان بماند» (ابن رشد الحفید، ۱۳۹۵، ۱: ۳۲۷).

ایراد جدی در مورد پوشاندن صورت زنان در زمان انجام مناسک حج، این است که پوشاندن صورت در آن زمان، از منظر شریعت حرام است. عالمان دینی باتوجه به این مشکل راه‌حل فقهی را نگاشته اند که علی‌رغم قبول حرمت «تَغْطِیة» و پوشاندن صورت هنگام حج؛ از آویزان کردن لباس (یا تکه‌ی پارچه) از بالای سر به سمت صورت، جهت مستور ماندن صورت زن از نگاه نامحرمان، سخن گفته اند (القحطانی، بی‌تا: ۱: ۲۰۱).

ب. دلیل نقلی

فرض و واجب بودن «احتجاب» و «پوشاندن» زنان مسلمان از دید مرد اجنبی و نامحرمان با دلیل نقلی نیز ثابت شده است که از فقیهان مذاهب چهارگانه‌ی مذکور و پیروان شان نقل شده است. یعنی آنان روایاتی را از پیامبر^(ص) نقل نموده اند که واجب بودن پوشش و حجاب بانوان از زمان پیامبر^(ص) و علی^(ع) مورد تأکید و توجه بوده است. علی‌رغم، اتفاق آراء عالمان دینی مذاهب چهارگانه در مورد وجوب پوشش زنان و فرض پوشاندن آنان از نامحرمان،



اختلاف در مورد تفسیر «صورت زن» وجود دارد.

سؤال مهم این است: «آیا صورت زن را می‌توان عورت دانست یا خیر؟ نتیجه‌ی اختلاف در تفسیر وجه زن به عورت-که برخی مانند شرمگاه و عورت زن، ستر چهره را نیز (به عنوان عورت زن) واجب دانسته، و برخی وجه را عورت ندانسته - آشکار می‌شود.

براین اساس، کسانی که چهری زن را عورت تعبیر نموده، نتیجه‌ی حکم وجوب پوشاندن صورت در حال نماز را به دنبال دارد. در حالی که عورت ندانستن چهری زن، نتیجه‌ی متفاوت در پی دارد و در حال نماز و دیگر اوقات، پوشاندن چهره واجب، نیست (همان).

ج. نقد اجماع وجوب پوشش زنان با روایات ممنوعیت خلوت

اجماع و اتفاق نظرات دیگری نیز در مورد فرض و واجب بودن حجاب و پوشش کامل زنان حتی پوشش صورت را برخی نویسندگان از روایاتی استنباط نموده که موضوع‌شان، ممنوعیت خلوت نمودن زن و مرد اجنبی، است. به عنوان نمونه، روایاتی از پیامبر (ص) نقل شده: که حاکی از تحریم خلوت زن و مرد نامحرم بوده و مسافرت زنان مشروط به همراهی محارم‌شان، مجاز شمرده شده، آنگاه از مجموع این روایات فرض و واجب بودن حجاب و پوشش بدن زنان، استنباط شده است (الشوکانی، ۱۴۳۵، ۶: ۱۲۷. ابن حجر العسقلانی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۱۷).

در نقد اجماع مذکور باید گفت، باتوجه به تغایر موضوعی روایات ممنوعیت «خلوت زن و مرد نامحرم» با روایاتی که موضوع‌شان واجب بودن حجاب و پوشش زنان است، نمی‌توان اجماع وجوب حجاب و پوشش کامل زنان را از روایات منع «خلوت زن و مرد نامحرم» به دست آورد. زیرا، اولاً، از دو موضوع متفاوت نتیجه واحد به دست نمی‌آید. ثانیاً، حکم تحریم و ممنوعیت خلوت زن و مرد نامحرم در مواردی که زن با حجاب و پوشش کامل باشد نیز، جریان دارد، در نتیجه استنباط اجماع در مورد وجوب حجاب و پوشش زنان از روایاتی که حکم تحریم «خلوت زن با مرد نامحرم» را بیان نموده، منطقی نیست.

۲-۲. حنفی

رویکرد کلی مذاهب اسلامی در مورد فرض و واجب بودن حجاب در مقابل نا محرمان،



مبتنی بر مبانی نقلی است که در کتاب و سنت بیان شده است، فقیهان اسلامی اعم از شیعی و سنی با استناد به مبانی قرآنی و روایی، حکم شرعی حجاب و پوشش مناسب زنان را در مقابل نامحرم، بیان نموده اند؛ علی‌رغم این، در مسائل جزئی مانند تعیین دایره‌ی حجاب زنان که آیا شامل پوشاندن صورت می‌شود یا خیر (یعنی پوشاندن صورت نیز واجب است یا خیر) اختلاف نظر میان فقیهان وجود دارد. اکنون لازم است حکم فقهی حجاب بانوان مطابق آراء هریک از مذاهب چهارگانه‌ی تسنن به صورت جداگانه ارائه گردد، اشتراکات و تمایزات این مذاهب نیز سرانجام تبیین خواهد شد.

حکم فرض و واجب بودن حجاب از دیدگاه احناف به صورت کلی همچون دیگر مذاهب اسلامی متناظر به مبانی کتاب و سنت، اظهار شده است. به عنوان نمونه مطابق اظهار نظر یکی از عالمان حنفی، حکم نگاه به زن نامحرم (اجنبیة) هرچند که زن کافر باشد؛ فقط هنگام ضرورت به صورت و دو کف دست زن نامحرم، از نظر شرع اسلامی ایراد ندارد (البته نگاه باهدف لذت بردن به محدوده‌ی مذکور نیز جایز نیست). براین اساس، می‌توان گفت، محجوب نمودن و پوشاندن سر و گردن تا ناحیه‌ی صورت، و موها، برای زنان واجب است و نگاه کردن به سر و گردن و موهای زنان نامحرم، برای مرد نامحرم، حرام است.

نگرش احناف در مورد حجاب سر و مو و باز بودن چهره‌ی زنان در زمان حج، این‌گونه است که استفاده از «نقاب» را برای زنان در زمان حج جایز ندانسته، اما تغطی و پوشاندن چهره را مجاز شمرده است. به این صورت که لباس خود را از بالای خمار و روسری، مانند پرده به صورت خود آویزان نماید و به گونه‌ی باشد که از صورت تجافی داشته و به صورت قرار نگیرد (نچسپد)؛ اما باز گذاشتن صورت و نپوشاندن آن برای زن جوان به خاطر بیم فتنه (یعنی به خاطر بیم اینکه مورد تجاوز واقع نشود) ممنوع است. چنین نگرش فقهی در مورد حجاب مطابق بینش فقهی «أبی حنیفه» و فقهای عامه گفته شده است (فریح، ۱۴۲۵: ۸۵. الکاسانی، ۱۴۰۶، ۲: ۱۸۶).

بنابراین، با مفهوم اولویت می‌توان نتیجه گرفت، در مذهب حنفی وقتی پوشاندن چهره زنان هنگام انجام مناسک واجب گفته شده است، در زمان دیگر، پوشاندن صورت زنان



علاوه بر وجوب حجاب، واجب و فرض خواهد بود. از این جهت است که ادعا شده مسلمانان اتفاق نظر دارند که باوجود کثرت مردان فاسق ممنوع است که زنان با چهره‌ی باز از منزل خارج شوند.

همچنانکه اتفاق مذاهب تسنن و اتفاق جمهور امت اسلامی در مورد حکم وجوب حجاب زنان، ادعا شده است؛ ولی چنین حکمی در مورد زنان پیر (عجائز) استثنا شده و آنان به پوشاندن صورت ملزم نیستند (الحنفی، المرأة المسلمة، بی تا: ۲۰۲).

۲-۳. شافعی

دیدگاه مذهب شافعی در مورد وجوب حجاب زنان نزدیک به دیدگاه مذهب احناف بوده، مگر در برخی موارد که تفاوت‌های جزئی با نگرش حنفی دارد. یکی از عالمان شافعی ممنوعیت خروج زنان صورت‌باز را از منزل مورد اتفاق مسلمانان دانسته، به خصوص این که اگر فاسقان زیاد باشد که در این صورت ممنوعیت آن قطعی است (النجدی، ۱۴۱۹، ۲: ۲۱۲). در مقابل، دیدگاه دیگری را قاضی عیاض شافعی به نقل از علماء اظهار نموده که هنگام راه رفتن لازم نیست زنان صورت خود را بپوشانند؛ برعکس مردان ملزم اند مطابق آیه‌ی: «یغضون من ابصارهم» به زن نامحرم نگاه نکنند و چشم خود را ببندند (همان).

به ادعای برخی از عالمان شافعی، رویکرد عملی مردم (مسلمانان) از قدیم تا دوران معاصر در جمیع کشورهای اسلامی این گونه بوده که در مورد باز بودن چهره‌ی زنان پیر، جدی نبوده، بلکه با آسان‌گیری و سهل‌انگاری، اجازه داده اند که آنان چهره‌ی خود را باز بگذارند. در حالی که در مورد بانوان جوان سهل‌انگاری نداشته و صورت آنان را همچون پوشاندن عورت واجب شمرده اند. براین اساس، از دیدگاه مذهب شافعی سخن کسی که در غیر ضرورت، نگاه به صورت زن نامحرم را مباح و بدون اشکال دانسته، درست نیست (ابن نورالدین، ۱۴۳۳، ۴: ۷۷).

البته باتوجه به حکم فقهی محدوده‌ی وجوب حجاب زنان جوان از دیدگاه شافعی، مالک و ابوحنیفه، در نماز، این نکته به دست می‌آید که پوشاندن صورت زنان واجب نیست. زیرا، آنان در تعیین محدوده‌ی «عورت» (شرمگاه) گفته اند که تمام بدن زن عورت به شمار می‌آید که واجب است پوشانده شود، غیر از صورت و کف دست‌شان که پوشش این دو



مورد واجب نیست؛ «ابوحنیفه» وجوب پوشاندن پاهای زنان را نیز در نماز الزامی و واجب ندانسته است (الخِنْ و همکاران، ۱۴۱۳: ۱۲۴).

برخی از نویسندگان سنی گمان دارد که هیچ یک از «شافعی، مالک و ابوحنیفه» در جایی که نیاز و ضرورت نباشد، برای زنان جوان باز بودن صورت را جایز ندانسته، همچنانکه جایز نیست که مردان نامحرم به صورت زنان در غیر نیاز و ضرورت نگاه نمایند. به هر حال، سرانجام، با تعبیر «والله اعلم» (خدا آگاه‌تر است) وجوب پوشاندن صورت زنان را با ظن و گمان اظهار نموده که فهمیده می‌شود نویسنده بر وجوب پوشاندن آن یقین نداشته است (فریح، ۱۴۲۵: ۱۰۷).

بنابراین، حکم فقهی پوشش نداشتن صورت و دو کف دست زنان و حکم نگاه مردان نامحرم به این مواضع، در فقه شافعی به سه صورت زیر تقسیم می‌شود:

أ - در صورتی که احتمال بیم فتنه و ارتکاب معصیت در بین باشد، یا احتمال خلوت و نزدیکی نمودن با زنی که پوشش صورت ندارد یا احتمال انجام مقدمات این کار وجود داشته باشد.

در این صورت، نگاه به زن نامحرم و برداشتن پوشش از صورت وی به اجماع عالمان دینی حرام است.

ب. صورت دوم، اگر نگاه نمودن به زنی که صورتش پوشش ندارد، با قصد لذت و شهوت باشد، اما فتنه‌ی ارتکاب معصیت دیگر در کار نباشد، در این صورت نگاه کردن به او با چنین قصدی حرام است. لذا واجب است که زن در چنین حالتی صورت، ظاهر و باطن دستان خود را تا سر انگشتان بپوشاند.

ج - صورت سوم، در صورتی که خوف فتنه و نگاه شهوت آمیز به صورت و دستان زنان در بین نباشد، دو قول وجود دارد که مطابق یکی از آنها مشروط به نبود فتنه‌ی معصیت و عدم نگاه شهوت آمیز، نگاه به مواضع مذکور ایراد ندارد، اما قول دیگر، هر نوع نگاه به مواضع دست و صورت زنان را حرام دانسته است (شمس الدین الرملي، ۱۴۰۴، ۶: ۱۸۶. فریح، ۱۴۲۵: ۸۵).

۲-۴. مالکی

موضوع ممنوعیت خروج زنان از منزل با چهره‌ی باز در فقه مالکی مطرح نشده است. ازاین‌رو، می‌توان گفت که خروج زنان از منزل با صورت‌باز، بدون نقاب و بدون پوشاندن چهره، در مذهب مالکی، حرمت نداشته، بلکه جایز است که بانوان با چهره‌ی باز از منازل‌شان بیرون روند. حکم وجوب نقاب صورت، در واقع یک نگرش افراطی فقهیست که با حق آزادی بانوان در تقابل است. همچنانکه حکم مذکور با آیات و حیانی قرآن نیز تقابل دارد، زیرا موضوع وجوب نقاب یا وجوب پوشاندن چهره در آیه‌ی حجاب که حکم کامل حجاب زنان را بیان نموده، مشاهده نمی‌شود. به هر صورت، چنین حکمی با استناد به روایات ضعیف مورد توجه برخی عالمان تسنن قرار گرفته، اما مذهب مالکی به خاطر ضعف مبانی نقلی حکم مذکور از نقل آن خودداری نموده است.

حکم حجاب بانوان مطابق دیدگاه مالکی‌ها به صورت پراکنده در کتب فقهی حج و نکاح اشاره شده است که نمونه‌های از آن در این جا ارائه می‌گردد.

روایت نخست که از طریق «نافع» نقل شده نقاب زدن بر چهره و پوشیدن دستکش به اصطلاح «قُفَّاز» (الْكُفُوف) را برای زن در حال إحرام حج، ممنوع دانسته است. اما در روایت دیگر که هشام پسر عروه از فاطمه بنت منذر نقل نموده، استفاده از «خِمار» به معنای روسری زن (سربند یا پوشش) در حال إحرام گزارش شده است که ظاهراً زنان در حال احرام به شمول اسماء دختر ابوبکر، از روسری بلند استفاده می‌نمودند که به صورت‌شان نیز آویزان می‌شده (ابوعمر القرطبی، ۲۰۰۰م، ۴: ۲۴).

مقصود راوی این است که با استفاده از روسری بلند که به سر می‌پیچیده اند، صورت‌شان را نیز می‌پوشانده. به هر حال، عمل راوی (فاطمه بنت منذر) رویکرد شخصی وی بوده و نمی‌تواند مبنای حکم وجوب نقاب داشتن صورت زنان به شمار آید. روایت مذکور از پیامبر^(ص) نقل نشده، بلکه توسط خود راوی نقل شده، سیره نظری یا عملی غیر معصوم هرچند که اصحاب عادل پیامبر^(ص) به شمار آید حجیت ندارد و صلاحیت منبع وضع حکم الزامی پوشاندن صورت زنان را ندارد، بلکه حکم تکلیفی توسط شارع مقدس (خداوند) وضع می‌شود، آنگاه پیامبر و اوصیاء معصوم وی وظیفه دارند که آن را به مردم بیان و تبلیغ کنند یا شرح و تفسیر نمایند.



بنابراین، رویکرد مذهب مالکی در مورد وجوب حجاب زنان با نگرش دیگر مذاهب تسنن متفاوت بوده و نسبت به مذاهب دیگر تسنن در مورد حجاب روش میانه و معتدل‌تری دارد. به عنوان نمونه، حکم پوشان صورت زنان در زمان مناسک حج، مطابق دیدگاه مذهب مالکی، الزامی نبوده، بلکه ستر و پوشاندن صورت زنان از قبیل آویزان نمودن رداء (عبا) از بالای سر به صورت برای زنان در ایام مناسک حج، اختیاری است (همان).

۲-۵. حنبلی

مذهب حنبلی در مورد پوشش و حجاب زنان روش سخت‌گیرانه دارد، به گونه‌ی که کل اجزاء زن را عورت (هر عضوی از بدن انسان که از روی شرم آن را پنهان کند، آنچه که پوشیده باشد) فرض نموده حتی ناخن‌های زنان را عورت شمرده که مستلزم حکم وجوب پوشش و حجاب خواهد شد. در جای دیگر، زینت‌های ظاهری (از قبیل آرایش صورت)، لباس و هرشی که مربوط زنان باشد، در فقه حنبلی جزء عورت و شرمگاه شمرده شده که لازم است، از دید نامحرم‌ان محجوب و پوشیده باشد (أبو عبد الله، ۱۴۲۳: ۳۰-۳۱).

۲-۶. اختلاف نظر مذاهب تسنن در مورد پوشاندن پاهای زنان

از دیدگاه مذهب «مالکی»، حکم پوشاندن پشت‌پاهای زنان الزامی است، در صورتی که زن نماز را بدون پوشاندن پا بخواند اگر وقت نماز باقیست، باید نماز را اعاده نماید. همچنانکه، جناب «لیث بن سعد» معتقد است که اگر قدمین را در نماز نپوشاند، لازم است نماز را دوباره با پاهای محجوب و پوشیده بخواند، اعم از این که وقت باقی باشد یا خارج از وقت.

مطابق بینش مذهب شافعی، تمام بدن بانوان غیر از صورت و کف‌دستان، حکم عورت را دارد که واجب است پوشانده شوند، از این رو، در صورت باز بودن جایی از بدن در نماز (غیر از صورت و کف‌دستان) باعث بطلان نماز بوده باید نماز را (داخل وقت و خارج آن) دوباره بخواند.

حکم فقهی حجاب و پوشش پاهای زنان از دیدگاه ابوحنیفه و ثوری، الزامی و واجب نبوده، زیرا قدم‌های بانوان جزء عورت به شمار نمی‌آید، لذا اگر زن با پای برهنه نماز بخواند، اعاده‌ی نماز لازم نیست.



در مقابل، به اذعان مذهب حنبلی که تمام بدن بانوان را عورت قلمداد نموده، حکم پوشش تمام بدن در مقابل نامحرمان الزامی است، حتی پوشاندن پشت پای بانوان هنگام نماز الزامی دانسته شده.

البته پوشش و حجاب صورت و کف دستان بانوان در نماز و حج جایز نبوده، زیرا، استفاده دستکش برای زنان در هنگام عمل «حج» ممنوع است، همچنانکه استفاده «برقع یا نقاب» در عمل حج ممنوع است (ابو عمر، القرطبی، ۲۰۰۰م، ۲: ۲۱).

آثار تربیتی حجاب

رعایت «حجاب» اسلامی، پیامدها و آثار مثبت متعدد دارد، نخستین اثر مثبت آن، پیامد روانی مثبت برای بانوی محجبه به شمار می‌آید که با اختیار و آزادی پوشش انتخاب می‌کند، او با انتخاب پوشش حجاب در خود احساس آرامش و سربلندی می‌کند که این همان ارزش معنوی بانوی مسلمان است.

جامعه‌ای که افراد آن با حفظ حدود الهی و رعایت حقوق دیگران ظاهر می‌شوند محیط امن و آرامی را برای خود و دیگران فراهم می‌کنند. هدف اسلام نیز همین است که مردان و زنان پاک نفس عناصر جوامع اسلامی را تشکیل دهند تا این که خداشناسی، راهنماشناسی و انجام تکالیف الهی، در چنین جوامعی مرسوم گردد و مردم از طریق خدا محوری به سعادت دست یابند.

۱. آثار فردی حجاب

آرامش و امنیت زنان در پوشش حجاب اسلامی تأمین می‌شود؛ «حجاب» اسلامی و پوشش مناسب بانوان مانع نفوذ نگاه‌های شیاطین انسانی به شمار می‌آید. براین اساس، بانوان در پناه محافظ و پوشش مصونیت و آرامش بیشتری دارد و در صورت بروز مشکلات احتمالی، آسیب کمتری خواهد دید. به هر حال، پوشش کامل بدن زنان را که دین در نظر گرفته باعث محفوظ ماندن بانوان می‌شود و سبب محدودیت آزادی آنان نمی‌گردد.

شهید مطهری تأثیر پوشش اسلامی در ایجاد آرامش روانی را این گونه تبیین نموده است: «نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجان‌ها و التهاب‌های



جنسی را افزون می‌بخشد که به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می‌آورد. غریزه جنسی یک غریزه نیرومند عمیق و دریا صفت است هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌گردد همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله‌ورتر می‌شود به همین جهت، در اسلام تاکید شده که زن هر اندازه با وقارتر حرکت کند و خود را در معرض نمایش نامحرم‌ان نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۹: ۴۳۴)

۲. آثار خانوادگی حجاب

هر چیزی که سبب تحکیم پیوند خانوادگی و صمیمیت رابطه‌ی زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است، استحکام نهاد خانواده از آثار اولیه‌ی حجاب حساب می‌شود که با رعایت حجاب و عفاف در محیط بیرون نیز حریم مرد و زن حفظ می‌شود و خانواده صاحب ثبات خواهد شد. چنانکه لذت‌های جنسی از طریق تشکیل خانواده به صورت قانونی ارضا شود، روابط میان زن و شوهر مستحکم‌تر می‌گردد و مرد تنها از یک زن استمتاع خواهد جست و در غیر این صورت چنانچه مرد در بیرون خانواده به دنبال لذت‌های خود باشد بنیان خانواده متزلزل می‌گردد.

براساس نظام تکوین، غریزه‌ی خودآرایی و جلوه‌نمایی برای استحکام خانواده در سرشت هر زن تعبیه شده است، آنگاه خداوند با الهام درونی و فرستادن پیامبران و ارسال قوانین الهی روش صحیح بهره‌مندی از این دو غریزه را به او نشان داده و او را آگاه کرده است که مکان خودنمایی و آرایش در محیط داخلی خانواده و محل پوشش و احتجاب، خارج از خانه و در برابر بیگانگان است. پوشش زن سبب می‌شود که استفاده‌های جنسی، محدود به محیط خانواده شود که در این صورت، حفظ اجتماع و استفاده کامل از نیروی فعال آنان را در پی دارد. در حالی که وجود زنان بی‌حجاب و بدحجاب که دل مردان سست اراده و کم ایمان را میربایند و با حرکات و آرایش خود همه نظرها را متوجه خودشان می‌سازند، به رکود فعالیت‌های اجتماعی و عدم موفقیت در مراحل مختلف زندگی منجر می‌شود و در نهایت به فروپاشی کانون خانواده می‌انجامد (اکبری، ۱۳۸۷).



۳. آثار اجتماعی حجاب

هر فردی در برابر جامعه خود مسئولیت دارد که شامل زن و مرد می‌شود. برخی از مسئولیت‌های زنان به حجاب آنان بستگی دارد. زن اگر حجاب داشته باشد، بار اینگونه مسئولیت‌ها را به دوش می‌گیرد و شخصیت و عظمت او بالا می‌رود، اما اگر جامه مقدس حجاب را از تن بیرون نماید، از عهده انجام اینگونه مسئولیت‌ها بر نمی‌آید (مصطفوی ۱۳۶۹: ۴۵).

گروه‌های متفاوت و کانون‌های متعدد فرهنگی، هنری، مهارتی، تربیتی و آموزشی، خصوصی یا وابسته به حکومت در هر جامعه‌ی وجود دارند، در این میان بانوان اسلامی نیز می‌توانند با حفظ حجاب و پوشش اسلامی در فعالیت‌های فرهنگی، هنری، مهارتی و آموزشی فعالیت مستقل داشته باشند و در پیشرفت جامعه‌ی خود سهم بگیرند. در صورتی که بی‌حجابی و بی‌بندوباری شایع گردد، افراد سعی خواهند نمود نیازهای جنسی را ارضا نمایند، در نتیجه، جامعه از وجود نیروی کار فعال و مثبت تهی خواهد شد.

برای جلوگیری از فروپاشی بنیان خانواده و حفظ نظام جامعه و تأمین امنیت روانی افراد باید فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه نهادینه گردد. بانوان در اجتماع نقش حساس و پر عاطفه دارند، کانون گرم اجتماع زمانی استمرار می‌یابد که بر توانایی‌ها و ارزش‌های وجودی زنان ارج گذاشته شود. زن به عنوان یکی از ضروری‌ترین عنصر جامعه به شمار می‌آید. براین اساس، امنیت و پیشرفت درست جامعه‌ی دینی در گرو وجود زنان پاکدامن است که هریک به نوعی مربی فرزندان فعلی یا آینده است.

بنابراین، تأثیر فرهنگی و تربیتی بانوان در خانواده بیش از مردان است و با شکل‌گیری خانواده‌ی سالم جامعه‌ی سالم با افراد سالم شکل می‌گیرد که سلامت روحی و روانی دارند. در نتیجه، بانوان، نقش انتقال فرهنگ، تربیت درست و انتخاب سبک زندگی مسالمت‌آمیز به نسل‌های آینده را به عهده دارند.

نتایج

۱. حجاب سر و موهای بانوان مسلمان که شامل گردن تا سینه می‌شود، همچنین پوشش لباس مناسب که بدن دختران مکلف و بانوان مسلمان را کاملاً بپوشاند مورد اتفاق



عالمان شیعی و سنی است. اما، نسبت به محدوده‌ی حجاب یا پوشش موارد دیگری از بدین بانوان، اختلاف آراء مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه، «حجاب» اضافه بر موارد اتفاقی که پوشاندن شان الزامی است از قبیل: «موها، سر و گردن، و تمام بدن تا میچ‌دستان بانوان»، آیا شامل صورت، دست‌ها و پاهای زنان نیز می‌شود یا خیر؟

در مورد پوشاندن صورت و کف دستان پشت‌پاهای زنان که در معرض نگاه نامحرم است، اختلاف نظر وجود دارد. در فقه شیعه با استناد به آیه‌ی حجاب پوشاندن صورت و کف دستان زنان واجب نبوده اگرچه پوش کامل بانوان حتی مواضع مذکور در مواجهه با مرد نامحرم مطلوب است تا جلو هر نوع نگاه حرام مسدود گردد.

۲. برخی مذاهب سنی مانند مالکی علاوه بر پوشاندن سر و موهای آن از نامحرم، پوشاند صورت زنان را در مناسک حج نیز، تأکید نموده، در حالیکه برخی مذاهب دیگر پوشاندن صورت را در عمل حج درست ندانسته است، زیرا سبب می‌شود به صورت سایه افکنده شود که فقه این کار را ممنوع دانسته است.

یکی از موارد مشترک فقه اسلامی که مجاز است مردم و زن نامحرم به یکدیگر نگاه نمایند، هنگام خواستگاری است که هریک از مرد و زن نامحرم می‌توانند به یکدیگر نگاه نمایند تا از شکل و شمایل یکدیگر آگاه شود و با آگاهی از مشخصات ظاهری یکدیگر در مورد ازدواج تصمیم بگیرند.

۳. در مقابل موضوع مشترک مذکور (که زن و مرد نامحرم می‌توانند در جلسه‌ی خواستگاری به یکدیگر نگاه نمایند و در مورد ازدواج تصمیم بگیرند)، نگرش افتراقی در فقه تسنن و تشیع وجود دارد که مطابق ادعای برخی محققان سنی خارج شدن زنان با چهره‌ی باز از منازلشان ممنوع است که چنین تفسیری از حجاب پوشاندن صورت را نیز در مواجهه با نامحرم در بر می‌گیرد. در حالی که از منظر فقه تشیع صورت و دستان زنان مشمول حجاب و پوشش الزامی نمی‌شود.

۴. حجاب اسلامی بانوان، حافظ آنان است که در برابر بسیاری از بیماری‌های روحی- روانی و ناهنجاری‌های اجتماعی آنان را حفظ می‌نماید. حجاب فقهی بانوان باید به گونه‌ی باشد که بدن زن را کاملاً بپوشاند، اندامی و بدن نما و مفسده انگیز نباشد.

۱. ابن حجر، عسقلانی، احمد (۱۳۷۲) فتح الباری، ج ۴، مصر، المكتبة السلفية.
۲. ابن درید، محمد (۱۹۸۷م) جمهرت اللغة. بیروت، دارالعلم.
۳. ابن رشد الحفید (۱۳۹۵) بداية المجتهد، ج ۱، مصر، مطبعة مصطفى البابي، الطبعة الرابعة.
۴. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۲ هـ) تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق) لسان العرب، بیروت، دار، صادر، چاپ سوم.
۶. ابن نُورالدین، محمد، (۱۴۳۳) تیسیر البیان لأحكام القرآن، ج ۲، سوریه، دار النوادر.
۷. أبوعبد الله، أحمد (۱۴۲۳) أحكام النساء للإمام أحمد (المحقق: عمرو عبد المنعم سليم)، مؤسسة الريان للنشر والتوزيع.
۸. ابو عمر القرطبي، يوسف (۲۰۰۰) الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار، ج ۴، (محقق: سالم و همکاران)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۹. بیهقی، احمد بن حسین، بی تا، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر.
۱۰. جمعی از محققان (۱۳۸۱) حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه.
۱۱. حداد عادل، غلام علی (۱۳۸۱) فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگ، تهران، انتشارات سروش.
۱۲. حرعاملی، محمد، (۱۴۰۹) تفصیل وسایل الشیعه الی مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۳. خمینی، روح الله (۱۳۷۹) تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. الخنّ، مصطفی و همکاران (۱۴۱۳) الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي، دمشق، دار القلم.
۱۵. درویش، محیی الدین (۱۴۱۵) اعراب القرآن و بیانه، ج ۶، دمشق، دار الارشاد، چاپ چهارم.
۱۶. شریف الرضی، محمد (۱۴۱۴) نهج البلاغة، (محقق: صبحی صالح)، قم، هجرت.





۱۷. شمس الدین الرملي، محمد (بی تا) نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، ج ۶، بیروت، دار الفکر.
۱۸. شوکانی، محمد (۱۴۳۵) نیل الاوطار، ج ۶، بیروت، دارالفکر.
۱۹. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۱۷) العروة الوثقی، قم، آل البيت.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. فریح، بن صالح البهلال (۱۴۲۵) الاستیعاب فیما قیل فی الحجاب.
۲۲. القحطانی، سعید (بی تا) إظهار الحق والصواب فی حکم الحجاب والتبرج، ج ۱، ریاض، مطبعة سفیر.
۲۳. کلینی، ابوجعفر محمد، (۱۳۶۹) اصول کافی (مترجم: مصطفوی) تهران، کتاب فروشی علمیه.
۲۴. کوهی، محمد رضا (۱۳۸۶) آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، تهران، اتقان.
۲۵. کاسانی، ابوبکر، (۱۴۰۶) بدائع الصنائع، ج ۲، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۶. محمدی آشنای، علی (۱۳۷۰) مسئله حجاب، بی جا، انتشارات ارم.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۵۳) مسئله حجاب، تهران، نشریه اعجاز.
۲۸. _____ (۱۳۶۰) مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
۲۹. _____ (۱۳۷۳) نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
۳۰. مغنیه، محمد جواد (بی تا) الفقه علی مذاهب الخمسه، تهران، نشر تک رنگ.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷) الفتاوی الجديدة، ج ۲، قم، مدرسه امام علی (ع).
۳۲. _____ (۱۳۸۲) برگزیده تفسیر نمونه (محقق: بابایی احمد علی)، تهران، دار الکتب العلمیه.
۳۳. النجدی، فیصل (۱۴۱۹) بستان الأخبار مختصر نیل الاوطار، الرياض، دار إشبیلیا.
۳۴. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸) تفسیر آسان، ج ۱۶، تهران، انتشارات اسلامی.